

میلاد باسعادت امام حسین (علیه السلام) اولین عید از اعیاد ماه شعبان

از فرخنده‌ترین مناسبت‌ها در ماه شعبان میلاد باسعادت امام حسین (علیه السلام) است. او که سومین امام در مذهب شیعه هست، فرزند علی بن ابی طالب (علیه السلام) و فاطمه الزهراء (سلام الله علیها) و نواده پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. تاریخ ولادت امام حسین (علیه السلام) را سومین روز از ماه شعبان سال چهارم هجرت در مدینه ذکر کرده‌اند. ایشان سرور جوانان اهل بهشت لقب گرفته‌اند. ایشان در دوران امامت خود با حکومت معاویه بن ابی سفیان و یزید هم‌زمان بود.

امام حسین سریعترین و پهناورترین کشتی نجات

اهل بیت وسیله خدا و کشتی‌های نجاتند، اما کشتی حسین (علیه السلام) سریع‌تر و پهناورتر است. کشتی او در تلاطم طوفان‌های مهیب، پر شتاب‌تر است و انسان را سهل‌تر به ساحل نجات می‌رساند. گرچه تمامی اهل بیت معادن نورند، اما منور شدن از انوار حسین (علیه السلام) آسان‌تر است.

اغلب افراد برای داشتن سفری امن و مسیری راحت به سمت مقصد، به دنبال انتخاب سریع‌ترین و راحت‌ترین وسیله هستند. کسی که قصد پیمودن مسافتی طولانی دارد، پیاده طی کردن مسیر را منطقی نمی‌بیند. بدون وسیله و حضور شخص راه بلدی که به نقشه مسیر مسلط باشد، راه ما دور و سخت و طاقت‌فرسا خواهد شد. در این صورت، یا دیر به مقصد می‌رسیم، یا به مقصد نخواهیم رسید، یا اینکه در میانه راه دچار خطا شده و از نقشه درست مسیر منحرف خواهیم شد.

انسان هم برای پیمودن مسیر خود به سمت خدا و قرار گرفتن در آغوش گرم الهی نیازمند وسیله است. اهمیت جستجو و انتخاب وسیله در این مسیر به اندازه‌ایست که خداوند در آیه ۳۵ سوره مائده فرمود: «... اِبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ...» ... وسیله‌ای برای تقرب به خدا پیدا کنید ...» تصمیم عاقلانه آن است که ما به دنبال بهترین وسیله باشیم. اگر دغدغه یافتن این وسیله را داریم، راه آن را در نور کلام اهل بیت به وضوح خواهیم یافت.

رسول مهربانی‌ها فرمود: «... نَحْنُ الْوَسِيلَةُ إِلَى اللَّهِ ...» ... و ما وسیله به سوی خداییم ...» برای پیمودن جاده‌های آسمان غیر از این شاهراه‌های عالم راهی وجود ندارد و سایر راه‌ها سراب فریبنده‌ای بیش نیستند. همان‌طور که امام هادی (علیه السلام) در زیارت جامعه کبیره فرمودند: «... مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ ...» هر کس خدا را بخواد، باید با اهل بیت شروع کند.» این شروع کردن یعنی شناختن، نزدیک شدن، ارتباط برقرار کردن و زندگی با این شخصیت‌ها.

امام حسین (علیه السلام) نوری از انوار ویژه

در بین این چهارده نور، سید الشهداء (علیه السلام) جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد. او سلطان نظام خلقت و سلطان نظام ابدیت است. آن‌ها که به دنبال هدف خلقتند، کسانی که دنیا می‌خواهند، آنان که طالب آخرتند و آن‌ها که تنها به دنبال معشوقی به نام الله هستند؛ همه و همه می‌توانند از مسیر سید الشهداء (علیه السلام) به مقصود خود برسند.

در این بین از حقیقی‌ترین و مهم‌ترین کانال‌هایی که به وسیله آن‌ها می‌توان به بارگاه و کشتی حسین (علیه‌السلام) راه یافت، مجالس و محافل حسینی هستند. روضه‌ها، هیئات، منبرهای درس مکتب عاشورا، مباحثات، قرارگاه‌های فرهنگی، همه خیمه‌ای از خیمه‌گاه حسین (علیه‌السلام) هستند.

در این مقاله برآنیم که به ابعاد دقیق‌تری از حقیقت باطن رابطه ما با حسین (علیه‌السلام) و مجالس حسینی پرداخته و به اکتسیرهایی دست یابیم، برای هم‌رنگ شدن با حسین (علیه‌السلام).

رابطه ما با حقیقت باطنی مجالس امام حسین (علیه‌السلام)

بسته به احوال دل و نوع علایق افراد ما و پناهگاه امن برای آرامش و قرار قلب انسان‌ها متفاوت است. از معدود فضاهای آرام‌بخش و پرامید که بین افراد با دیدگاه‌ها و اعتقادات و نژادهای مختلف مشترک است، مجالس و محافل امام حسین (علیه‌السلام) است. اغلب ما با انگیزه‌های مختلفی در این مجالس شرکت می‌کنیم؛ عده‌ای به دنبال ثواب، عده‌ای به طلب حاجات، عده‌ای به شوق چشیدن حال خوب و عده اندکی به دنبال شبیه شدن به امام حسین (علیه‌السلام).

در بیان عظمت و ابهت این مجالس همین بس که هر کدام از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به هر شکل و سیاق ممکن حتی در منازل خود مجالس عزای حسین (علیه‌السلام) را به با شکوه‌ترین شکل برگزار می‌کردند. در روایات و سیره عملی اهل بیت (علیهم‌السلام) هم به وضوح می‌بینیم که در عمل و کلام یاران و اصحاب را به شرکت در این مجالس عظیم ملزم می‌کردند.

اگر در طلب آنیم که از پوسته ظاهری مجالس حسین (علیه‌السلام)، به هسته انسان‌ساز معارف و اهداف او برسیم، لازم است در کنار برگزاری هرچه باشکوه‌تر این مجالس، تفکر و مطالعه عمیق‌تری روی سیره و شخصیت امام حسین (علیه‌السلام) داشته باشیم.

تمام اجزا و ارکان و اتفاقات این مجالس مثل چای روضه، طبل، پرچم، کتیبه و شال عزا، مداحی، جارو کشی و هر قدم و نفس در فضای این مجالس به قدری گران‌بهاست که نمی‌توان هیچ قیمتی برای آن در نظر گرفت. اما آنچه ما را با قرار گرفتن در ظرف این مجالس قیمتی می‌کند، آن است که سبک زندگی ما منطبق با امامان شود.

آیا تقرب به امام حسین فقط با شرکت در مجالس عزا حاصل می‌شود؟

ما به موجب کشش‌ها و گرایش‌های روحی و قلبی به این خاندان، مشتاقانه در مجالس‌شان شرکت می‌کنیم. هرچند ممکن است پای عمل و مودت مان نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) کمی بلندگد، اما هیچ وقت دست از تقرب جستن به ایشان نشسته‌ایم. همواره در پی نزدیک شدن، شبیه شدن و تقرب جستن به حسین (علیه‌السلام) هستیم. تقرب به این معنا نیست که ما اغلب اوقات هفته را در مجالس ایشان سپری کنیم. نشانه تقرب آن است که اگر به دلیلی، مدتی هم از این محافل دور ماندیم، خلق ما از اخلاق حسینی فاصله نگیرد. غایت این است که راه و رسم و زندگی و اخلاق او را پیدا کنیم.

اگر مایلیم بدانیم دستاورد ما از سال‌ها شرکت در این مجالس چه بوده، ذره‌بین تفکر را روی اخلاق، عادات و رفتار روزانه‌مان بگیریم تا ببینیم ردپایی از سیره امام حسین (علیه‌السلام) را در آن می‌یابیم یا خیر. از جمله اشتباهاتی که اغلب

ما شیعیان به آن دچار می‌شویم، آن است که تصور می‌کنیم حسین (علیه‌السلام) و اهل‌بیت تنها در این مجالس حضور دارند. در حالی که بین ما و این خاندان، هیچ‌گونه حایل و فاصله فیزیکی وجود ندارد. او خود مجلس را برپا کرده و به میهمانان اذن ورود می‌دهد.

در حقیقت هدف از حضور در مجالس عزا و جشن میلاد ائمه (علیهم‌السلام) الگوگیری درست و کسب معرفت از آنهاست. اگر به باطن و حقیقت مجالس حسین (علیه‌السلام) دست یابیم، تمام ابعاد زندگی ما مثل معاملات، ازدواج، تربیت فرزند، خوراک، استراحت و ... شبیه و منطبق با سیره حسین (علیه‌السلام) می‌شود.

قدرت هیچ مسلک و مکتبی به اندازه قدرت تربیتی و انسان‌سازی مجالس حسین (علیه‌السلام) نیست. زیرا خود ایشان بیش‌ترین و با اخلاص‌ترین فداکاری‌ها، عشق‌بازی‌ها و ذبح محبوب‌ها را در راه خدا داشت. اصلاً این مقدار از تأکید و تکرار بر سفارش به شرکت در مجالس و مکاتب حسینی، آن است که در اثر رفت و آمد به این مجالس، اولویت‌ها و محبوب‌های انسان شبیه به اولویت‌ها و معشوق‌های امام حسین (علیه‌السلام) شود. پس از مدتی، انسان که در پی این آمد و شده‌ها، عشق حسین (علیه‌السلام) با گوشت و خونس آمیخته شده، آرام آرام مثل حسین (علیه‌السلام) شبیه به معشوق خود می‌شود.

مکتب امام حسین، تنها دانشگاه منحصر به فرد

هیچ دانشگاه و مدرسه‌ای همچون مکتب امام حسین (علیه‌السلام) خروجی انسان‌سازی و شهیدپروری نداشته است. شاگردانی حقیقی که پای درس او عمل به اولویت‌های آیه [24 سوره توبه](#) را بلد می‌شوند. آن‌ها از حسین (علیه‌السلام) می‌آموزند که سه معشوق الله، اهل‌بیت و جهاد، در رأس اولویت‌ها و معشوق‌ها قرار می‌گیرند. انسان در این دانشگاه درمی‌یابد که در ادعای اثبات عاشقی باید همه چیز را اعم از یاران، خانواده، اموال و جان را خالصانه فدای معشوق کرد.

سبک زندگی دانش‌آموختگان مکتب امام حسین نشان می‌دهد که عقربه قلب شان به کدام سمت تمایل دارد. اینکه جایگاه ما در کنار یا در مقابل امام است، به وسیله قلب مشخص می‌شود. شخصی از کوفه به سمت امام بازگشت. امام از او پرسید: «از کوفه چه خبر؟» قاصد گفت: «قلب آن‌ها با تو و شمشیرهای آن‌ها علیه توست.» این مکالمه تأمل برانگیز، مصداقی بر تأیید فرمایشی از امام رضا (علیه‌السلام) است که فرمود: «بسیاری از افراد، ما را دوست دارند و ما را زیارت می‌کنند، اما سبک زندگی ما را رعایت نمی‌کنند.»

از مهم‌ترین آداب این محافل آن است که بر اتفاقات منجر به حادثه کربلا و همین‌طور نقش افراد حاضر در آن، دقت و تفکر کنیم. با این شیوه تأمل درمی‌یابیم که تاریخ در حال تکرار است و ما در میدان آزمون همان واقعه اما در زمان حال قرار داریم. به این ترتیب، ما در لحظه به لحظه زندگی و موقعیت فعلی‌مان، کربلا را در جریان دیده و خود را همواره در دو راهی بین حُر شدن و عمر سعد شدن در حال انتخاب می‌بینیم.

مودت نسبت به امام حسین (علیه‌السلام) با ارزش‌تر از محبت

پس از اتفاقاتی که بعد از وفات پیامبر اسلام روی داد، دست انسان از دامان معارف بی‌نهایت اهل‌بیت کوتاه شد و انسان از حقیقتی بزرگ و سرنوشت‌ساز غافل شد. این غفلت سبب شد که شیعه در چندین قرن امامت ائمه اطهار، به آن میزان

محبت مختصری که از پر قنداقه‌اش به همراه داشت بسنده کند. از عصر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تا به امروز ما خود را به دوست داشتنی سطحی مشغول کرده و جشن و عزا بر حسین (علیه‌السلام) را کافی دانستیم. غفلت از مهم‌ترین اشاره خدا در آیه [23 سوره شورا](#)، عامل قرن‌ها دور ماندن بشر از آغوش اهل بیت شد، که متخصص‌ترین مربیان تربیت و سعادت بشرند. خداوند در این آیه، تنها پاداش رسالت پیامبر را «مودت اهل‌بیت» عنوان می‌کند؛ و در این میان، نامی از کلمه محبت نمی‌آورد.

آنچه خداوند از بشر در مواجهه با اهل‌بیت خواسته، مودت است؛ اما اغلب ما منحصرأ خود را سرگرم محبتی شیرین اما کم‌زحمت کردیم. برای مثال، اگر همسران روزانه از علاقه و وفایش نسبت به شما صحبت کند، اما نسبت به علائق، نیازها و رنج‌های شما بی‌تفاوت باشد، از عشق او چه برداشتی خواهید داشت؟ آیا این محبت برای شما رضایت‌بخش و شیرین است؟

مودت به معنای محبت عملی است. دوستی و علاقه‌ای که آثار آن در عمل ما نسبت به شخصی که به او اظهار عشق می‌کنیم هویداست. از مصادیق مودت، پسندیدن آنچه محبوب می‌پسندد و انزجار از آنچه او نمی‌پسندد است.

امام حسین (علیه‌السلام) در شب عاشورا پس از غربال چندین باره یاران، خطاب به آن‌ها فرمود: «بیعتم را از شما برداشتم، می‌توانید بروید. هیچ عهد و ذمه‌ای بر شما نیست.» با شنیدن این خطاب هر یک از اصحاب برخاسته و به نحوی عاشقانه‌ایی سرودند. امام که طهارت قلب اصحاب و حقیقت ادعای آن‌ها را می‌دانست، خطاب به آن‌ها فرمود: «من یارانی بهتر و با وفاتر از یاران خود سراغ ندارم.»

در خیل هزاران محب و اشک‌ریز سید الشهداء (علیه‌السلام) در واقعه کربلا تنها این یاران اندک عاشقانه از آنچه امام به آن عامل بود تبعیت کرده و مطیعانه از آنچه امام از آن بیزار بود پرهیز کردند؛ چرا که امام به روشنی هدف خود را از قیام این‌گونه عنوان کرد که: «... من برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم.»

مودت یعنی تابعیت اطاعت و موالاتی که همراه با دل دادن است. در جاده پر پیچ و خم اما شیرین مودت، سبک زندگی، الگوها، قواعد زندگی، برنامه‌ها، فرمول‌ها و ریاضیات زندگی انسان، هم‌سو و مشابه با مختصات معشوق می‌شود. شخص در مقام مودت نسبت به حسین (علیه‌السلام)، چنان در تلاش برای شباهت به اوست، که گویی حسینی دیگر زاده شده است. معیار او در تمام انتخاب‌ها، ارتباطات و افکارش رضایت معشوق است. این‌گونه او حسینی کوچک در مختصات زندگی خویش است، و عاشقانه عامل و وفادار به آنچه حسین (علیه‌السلام) برای او قیام کرد خواهد شد.

امام حسین (علیه‌السلام) برترین الگوی مودت

حسین (علیه‌السلام)، راستگوترین انسان، حقیقی‌ترین و برترین الگو برای مودت نسبت به خداست. سیر در تاریخ زندگی حسین (علیه‌السلام) و اصحابش، شاه‌کلیدی برای گشودن باب نجات است. در کربلا، اهل مودت، به حسین (علیه‌السلام) رسیدند و اهل محبت، در گرداب محبت بی‌ثمر خود غرق شدند. امروز هم محبان حسین (علیه‌السلام) محافلی عظیم و با شکوه در تکریم او برپا می‌کنند، اما همچنان صدای آرمان‌های حسین (علیه‌السلام) در پس بلندای صدای جشن و عزای محبانش بر او محو شده است.

اگر مدعی عشق حسینیم باید همچون او اهل مودت شویم. این عشق و مراوده با او به مرور باید ما را به این درک برساند که: «من باید خود حسین شوم». این گونه است که تعبیر «كُلُّ يَوْمٍ عاشورا و كُلُّ أَرْضٍ كَرْبِلا» تفسیر شده و انسان امروز با حقیقت عاشورای سال ۶۱ هجری همراه و هم‌نفس خواهد شد.

اهل مودت با حسین (علیه‌السلام) در کشاکش بلایا و آزمون‌های رسیدن به شباهت با او می‌آموزد که تنها راه تشبّه به حسین (علیه‌السلام) را می‌توان در نصرت به پسرش مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) یافت. او که به فرموده امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): «طرید، شرید، فرید و وحید؛ رانده، آواره، تک و تنها است.» صاحب امری که حسین (علیه‌السلام) فرمود: «اگر من او را درک می‌کردم، همه عمر را به خدمت‌گذاری او سپری می‌کردم.»

در این مسیر، منتظر، همواره در این تقلاست که انتخاب‌ها، ارتباط‌ها و افکار خود را بر مبنای ظهور منتقم تنظیم کند. او که دانش‌آموخته مکتب امام حسین (علیه‌السلام) است، واژه‌ای از قربانی کردن امکانات و توانایی‌ها و علاقمندی‌هایش در راه محبوب نداشته و مشتاقانه به ذبح روزانه آن‌ها به پای یاری به امامش مشغول است.